

دانشگاه فرهنگیان

فصلنامه علمی - تخصصی

پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی

دوره دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹

## کاربرد جغرافیای تاریخی در آموزش تاریخ (مطالعه موردی: جغرافیای تاریخی کردستان در دوره مغولان)

کوروش فتحی<sup>۱</sup>

ارسال: ۱۳۹۹/۲/۵

پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۳۰

### چکیده

جغرافیای تاریخی، پژوهشی میان رشته‌ای تاریخ و جغرافیا است. بررسی تأثیرات محیط جغرافیایی بر وقایع تاریخی، سیر تکامل حکومت‌ها و تحولات مرزی موضوع اصلی این علم است. جغرافیای تاریخی که بر مکان به عنوان یکی از ارکان علم تاریخ تأکید دارد در آموزش تاریخ کاربرد زیادی دارد. نقشه‌ها و کتاب‌های جغرافیایی و تاریخی، تاریخ‌های محلی، آثار باستانی، بناها و عکس‌های تاریخی به صورت مواد جغرافیای تاریخی مورد استفاده قرار می‌گیرند. بازساخت چشم‌اندازهای گذشته که از اهداف مهم جغرافیای تاریخی است در یادگیری تاریخ بسیار مهم و کاربردی است. یکی از روش‌های پژوهش در جغرافیای تاریخی متمرکز ساختن موضوع مطالعه بر محدوده و منطقه جغرافیایی کوچک و عمق بخشیدن به آن در گستره زمانی می‌باشد. با این رویکرد و براساس شواهد تاریخی به عنوان بحثی برای عینیت بخشیدن به موضوع کاربرد جغرافیای تاریخی در آموزش تاریخ، کردستان به عنوان مقوله‌ای جغرافیایی و تاریخی مورد توجه قرار گرفته و تحولات جغرافیای تاریخی آن در دوره مغولان (قرن ۷ هجری) بررسی شده است. سئوالاتی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که: جغرافیای تاریخی چه کاربردی در آموزش تاریخ دارد؟ و جغرافیای تاریخی کردها در دوره مغولان چه تحولاتی یافته است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها با روش پژوهش تاریخی و شیوه

توصیفی- تحلیلی این نتیجه حاصل آمد که جغرافیای تاریخی کردستان در دوره مغولان تحولات اجتماعی و سیاسی مهمی را تجربه کرده است و پرداختن به جغرافیای تاریخی در آموزش تاریخ موجب عینی شدن درس تاریخ و گسترش درک فراگیران از مباحث تاریخی می-شود.

**واژه‌های کلیدی:** جغرافیای تاریخی، آموزش تاریخ، کردستان، مغولان.

## مقدمه

جغرافیای تاریخی که پژوهشی میان رشته‌ای تاریخ و جغرافیا است، تأثیر محیط جغرافیایی را بر وقایع تاریخی، سیر تکامل دولت‌ها و تغییرات مرزی و تاریخ اکتشافات جغرافیایی را بیان می‌کند. این نوع پژوهش، ما را به حقایق زندگی انسان در محیط جغرافیایی گذشته آشنا می‌کند و تا حدودی آینده را پیش‌بینی می‌کند. به نظر می‌رسد، درس تاریخ به جهت تأکید بر محفوظات، استفاده افراطی از روش سخنرانی و سنتی، مشکلات ساختاری و گاه محتوایی کتب درسی تاریخ از جاذبه اندکی برای تدریس برخوردار است. فراگیران غالباً از ملال‌آور بودن موضوعات تاریخی یاد می‌کنند. بنابراین مدرس تاریخ بایستی در پی یک روش مناسب برای آموزش باشد. توجه به جغرافیای تاریخی موجب تقویت درک مکانی فراگیران می‌شود و استفاده از روش‌ها و ابزار خاص پژوهش جغرافیای تاریخی می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد.

همچنین، مفهوم چشم‌انداز در جغرافیای تاریخی مورد توجه است. به عبارت دیگر « فضای خاص حاصل از کنش متقابل نیروهای گوناگون و متنوع طبیعی و انسانی در یک بافت مکانی معین» (سعیدی، ۱۳۷۷: ۹)، که همان چشم‌انداز است دلالت بر کنش انسان در گذر زمان و در یک مکان مشخص دارد. مطالعه چشم‌انداز می‌تواند « جنبه‌های گوناگون و غیرقابل رویت فرهنگ گذشته‌های فراموش شده» را روشن نماید ( جردن و راونتری، ۱۳۸۰: ۳۹). بنابراین جغرافیای تاریخی در شکل مترقی خود کاملاً به جغرافیای انسانی نزدیک می‌شود ( Pacione, 1987: 46 ).

یکی از روش‌های پژوهش در جغرافیای تاریخی متمرکز ساختن موضوع مطالعه بر محدوده و منطقه جغرافیایی کوچک و عمق بخشیدن به آن در گستره زمانی است. حمله مغولان به ایران و در پی آن حرکت آنان به سوی آسیای غربی، معادلات سیاسی موجود را برهم زد. مناطق غربی ایران و سرزمین‌های شمال بین‌النهرین و بخش‌های شرقی آسیای صغیر که مسکن کردها بود به سبب موقعیت برتر جغرافیایی مورد توجه مغولان قرار گرفت. موقعیت استراتژیک و شبکه راه‌های ارتباطی که از این سرزمین‌ها می‌گذشت، برای مقاصد توسعه طلبانه مغولان اهمیت بسیار زیادی داشت. مغولان به ویژه در موج دوم حملات‌شان در دوره هولاگو که به تأسیس ایلخانان انجامید، از این

سرزمین برای حمله به بغداد و پس از آن جنگ با ممالیک بهره جستند و در این راستا تغییرات چشمگیری در جغرافیای انسانی و اقتصادی منطقه به وجود آوردند.

توجه مغولان به سرزمین کردان تغییرات چشمگیری در جغرافیای انسانی و اقتصادی منطقه به وجود آورد. افزایش تحرک اجتماعی کردها در گستره جغرافیای سیاسی و انسانی خاور نزدیک در این دوره که موجب تغییر چشم انداز فرهنگی جماعات انسانی این مناطق شد، امری بود که تا دوران‌های بعد باقی ماند. این پژوهش ضمن توجه به این تغییرات در یک نگاه کلی، در صدد آن است که ارزش پژوهش‌های جغرافیای تاریخی در آموزش تاریخ را واکاوی کند.

سئوالاتی که در این پژوهش مطرح می شود اینست که جغرافیای تاریخی چه کاربردی در آموزش تاریخ دارد؟ و جغرافیای تاریخی کردها در دوره مغولان چه تحولاتی یافت؟

### پیشینه تحقیق

پژوهش‌های متعددی در مورد جغرافیای تاریخی و رابطه آن با تاریخ وجود دارد اما در مورد کاربرد و استفاده پژوهش‌های جغرافیای تاریخی در آموزش تاریخ، کار در خوری انجام نشده است. به ویژه در مورد جغرافیای تاریخی کردها و کردستان در دوره مغولان و ایلخانان پژوهش زیادی انجام نشده است. از منابع تاریخی شاید شرفنامه بدلیسی یگانه اثری است که به امارت کردی در دوران پیش از صفویه پرداخته است و در این پژوهش به آن استناد شده است. «تکوین راه‌های ارتباطی کردستان - اردلان از دوره سلجوقی تا پهلوی» به اهمیت ارتباطی ایالت کردستان در ادوار تاریخی پرداخته است. محسن رحمتی در مقاله «جغرافیای تاریخی ماسبدان» با ارائه شواهدی، مرکز اولیه ایالت کردستان را در نزدیکی ماسبدان می‌داند. او همچنین در مقاله «اهمیت نزهه-القلوب در تبیین جغرافیای تاریخی و تعیین جای نام‌های کردستان دوره ایلخانی» ضمن بیان اهمیت کتاب نزهه‌القلوب حمدالله مستوفی به عنوان نخستین متنی که اطلاعات مشروحه از جغرافیای تاریخی کردستان به دست می‌دهد با شیوه توصیفی-

تحلیلی به بررسی مکان‌های فعلی هفده‌اجای نام کردستان در دوره ایلخانی که در آن کتاب آمده است می‌پردازد، اگرچه در برخی موارد به دلیل فقدان استنادات تاریخی و جغرافیائی کافی به حدس و گمان متوسل می‌شود. خان‌مرادی، روند احداث شهر سلطان‌آباد چمچمال و اهمیت آن در دوره ایلخانان را مورد بررسی قرار داده و محل فعلی این شهر را بر اساس مستندات باستان‌شناسی نشان می‌دهد. یزدان فرّخی در «پدیداری نام کردستان در عهد ایلخانان و پیوستگی آن با جغرافیای تاریخی ایران زمین» با زیر سؤال بردن ادعای لسترنج در مورد نام کردستان، که آن را به دوره سلطان سنجر مربوط می‌کند و با ارائه شواهدی این نامگذاری را مربوط به دوره ایلخانان می‌داند.

باستانی‌راد در مقاله: «آموزش و پژوهش میان رشته‌ای در جغرافیای تاریخی»، سنت-گرائی در پژوهش و آموزش جغرافیای تاریخی را از مهم‌ترین مشکلات برشمرده و با بیان عرصه‌های نو در این زمینه که مکان پژوهی تاریخی و جی.آی.اس تاریخی از آن جمله‌اند، بر تغییر نگرش در زمینه آموزش و پژوهش جغرافیای تاریخی تأکید می‌کند. «در جستجوی معنی و مفهوم جغرافیای تاریخی» عنوان مقاله‌ای از اشرف‌السادات باقری است که در آن به تعریف و تبیین‌های سودمند در مورد جغرافیای تاریخی و حوزه عمل آن می‌پردازد. عباس احمدوند در مقاله: «تأملی در آموزش و پژوهش جغرافیای تاریخی»، از ابهام و درآمیختگی مفهوم و مصداق‌های جغرافیای تاریخی با علومی همچون باستان‌شناسی و تاریخ محلی یاد کرده و این امر را مهم‌ترین مشکل آموزش و پژوهش در این دانش بین رشته‌ای می‌داند.

### جغرافیای تاریخی چیست؟

با آنکه بسیاری از متون کهن جغرافیایی را می‌توان در زمره متون جغرافیای تاریخی به شمار آورد و بر همین اساس بسیاری از جغرافیدانان قرون گذشته را از جمله پیشروان جغرافیای تاریخ‌نگاری دانست. عموماً فلیپ کلور آلمانی، نویسنده جغرافیای تاریخی

(۱) البته ایشان در اینجا سهواً از هفده جای نام یاد می‌کند در حالی که در نزه القلوب شانزده شهر است و در

متن مقاله هم اثری از مکان هفدهم نیست. (رحمتی، ۱۳۹۸: ۱۱۷)

آلمان را بنیان‌گذار جغرافیای تاریخی پنداشته‌اند. از زمان کلور تا قرن بیستم که این دانش بر اثر تلاش‌های دو جغرافیدان برجسته، کارل سائر<sup>۱</sup> و درونت ویتلزی<sup>۲</sup>، رونق بسیاری یافت (احمدوند، ۱۳۸۸: ۴۱)؛ با این همه تنوع رخ داده در برداشت جغرافی‌دانان و نیز مورخان از مفهوم و مصداق جغرافیای تاریخی، دانشمندان قرن بیستم را به ارائه تعریف‌هایی اجماع‌آفرین واداشته است.

در مورد تعریف جغرافیای تاریخی که، پژوهشی میان رشته‌ای تاریخ و جغرافیا است، اتفاق نظری وجود ندارد. تا پیش از قرن بیستم جغرافیای تاریخی، برای توصیف حداقل سه جریان فکری به‌کار می‌رفت: الف) جغرافیای تاریخی در واقع بازآفرینی جغرافیای شرح داده شده در کتاب مقدس و آثار کلاسیک یونان روم بود؛ ب) جغرافیای تاریخی به مثابه پشتیبان تاریخ تلقی می‌شد که در صدد نشان‌دادن دگرگونی‌های حدود و ثغور و مرزهای دولت‌ها و امپراتوری‌ها بود؛ ج) از قرن پانزدهم و آغاز عصر اکتشافات جغرافیایی، جغرافیای تاریخی در واقع بیان تاریخ اکتشافات جغرافیایی بود (پرگاری و - بیطرفان، ۱۳۹۴: ۲۱۰ و Butlin, 1993: 1-23). جغرافیای تاریخی تا پیش از قرن هجدهم به عنوان مترادف تاریخ اندیشه جغرافیایی استفاده می‌شد (Barker, 1996: 2). پیدایش مکتب تاریخ‌نگاری آنال که توجه ویژه‌ای به جغرافیا دارد در گسترش این شاخه تأثیر زیادی داشت، زیرا اندیشه اصلی مکتب آنال بر توانمندی تاریخ از طریق یاری جستن این علم از علوم هم‌مرزش مانند جغرافیا بود (مفتخری، ۱۳۷۹: ۲۴).

در تعریف جغرافیای تاریخی نظریات متنوعی مطرح است. برخی جغرافیای تاریخی را علمی می‌دانند که: «تأثیر محیط جغرافیایی را بر وقایع تاریخی، سیر تکامل دولت‌ها و تغییرات مرزی‌شان و تاریخ اکتشافات جغرافیایی را بیان می‌کند. به عبارت دیگر جغرافیای تاریخی شامل بازسازی محیط‌های گذشته به شیوه بررسی سلسله وقایع در یک زمان یا ارزیابی آنها با توجه به تحولات گذشته است» (حکیم، ۱۳۶۶: ۳). بارتولد<sup>۳</sup> جغرافیای تاریخی را: «تشخیص درجه ارتباط حیات تاریخی با اوضاع جغرافیایی» تعریف می‌کند (بارتولد، ۱۳۰۸: ۲). در یک تعریف دیگر: «جغرافیای تاریخی سیر تحول بهره‌برداری از زمین، چگونگی اسکان جمعیت در نواحی، چگونگی

1. Karl Sauer

2. Derwent Whittlesy

3. Vasily.V.Bartold

سیر تحوّل معیشت آنها و تحوّل انواع مختلف معیشت با توجه به ابزارها و تکنیک‌های بکار گرفته در طول تاریخ « بیان شده است (پاپلی‌یزدی، ۱۳۶۵: ۴۶). بدین ترتیب چهار مؤلفه اثرگذار در پژوهش‌های جغرافیای تاریخی، زمان (بُعد تاریخی)، مکان (بُعد جغرافیایی)، انسان (عامل تغییرات) و فرهنگ (محرك اصلی تغییرات و تحولات در چشم‌اندازهای جغرافیایی) می‌باشد (باقری، ۱۳۹۷: ۲۰). هدف اصلی در جغرافیای تاریخی، شناخت شرایط زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گذشته انسان در ارتباط با محیط جغرافیایی اوست. این‌گونه پژوهش‌ها ما را به حقایق زندگی انسان در محیط جغرافیایی گذشته آشنا می‌کند و تا حدودی آینده را پیش‌بینی می‌کند. در این علم، جغرافی دانان روابط بین انسان و محیط را اساس کار خود قرار می‌دهند و برای درک مسائل امروزی و شناخت چگونگی شکل‌گیری فضای جغرافیای فعلی، ناچارند به گذشته انسان و محیط زندگی او توجه کنند و تغییر و تحولاتی را که در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی او در اثر ارتباط انسان با محیط به وقوع پیوسته، تجزیه و تحلیل جغرافیایی کنند. به عبارت دیگر، هدف جغرافیای تاریخی، تشخیص نوع روابطی است که انسان برای داشتن زندگی بهتر در مناطق مختلف جغرافیایی با محیط زندگی خود برقرار کرده است (بیگ‌محمدی، ۱۳۷۸: ۱۶). برخی از جغرافیدانان بررسی جغرافیای تاریخی را برای درک جغرافیای معاصر به ویژه درک جغرافیای انسانی و اقتصادی ضروری می‌دانند. (Easi, 1965 : 27).

از نظر دایره موضوعی، جغرافیای تاریخی طیف وسیعی از موضوعات تاریخی و جغرافیایی را دربر می‌گیرد، «دگرگونی‌ها و تفاوت‌های مکانی فرهنگ در رابطه با زمان، نام‌گذاری مکان‌های تاریخی، تغییرات قلمرو حکومت‌ها، تخریب، ساخت و بازسازی شهرها، آبادی‌های مسکونی، سیر تحولات آن‌ها در طول زمان و آثار تاریخی به جا مانده از دوره‌های تاریخی و نظایر آن، نیاز به توجه به بُعد زمان دارد که باید آن را در جغرافیای تاریخی جست‌وجو کرد» (بیگ‌محمدی، ۱۶). همچنین جابجائی‌ها و مهاجرت‌های انسانی در یک دوره زمانی و دست‌اندازی‌ها و تغییراتی که حکومت‌ها یا مهاجمان در جغرافیای انسانی ایجاد می‌کردند مورد توجه پژوهش‌های جغرافیای تاریخی است. در جغرافیای تاریخی بازنمود مسائل مکانی فضایی گذشته برای تحلیل الگوها و فرایند‌های فعلی ضروری است. به همین دلیل در جغرافیای تاریخی با توجه به پدیده‌ها و اتفاقات دوره‌های گذشته به پیش‌بینی و آینده‌نگری می‌پردازند. «به عبارتی، جغرافیای

تاریخی شامل بازسازی محیط‌های گذشته به شیوه بررسی وقایع در یک زمان یا ارزیابی آن‌ها با توجه به تحولات تاریخی گذشته است» (شکویی، ۱۳۵۳: ۳۶).

رابطه و نسبت دو علم تاریخ و جغرافیا در جغرافیای تاریخی از مباحث چالش برانگیز بوده تا جایی که، برخی محققان جغرافیای تاریخی را جزو رشته‌های جغرافیای کاربردی و به معنای «به کار گرفتن علم جغرافیا در جهت بهره‌برداری از تاریخ» دانسته‌اند (شکویی، ۱۳۶۴: ۴۵ و Graham&Nash, 2000, 24-32). برخی نیز جغرافیای تاریخی را علمی با اولویت جغرافیا می‌دانند. «در ترکیب جغرافیای تاریخی... اصل جغرافیاست نه تاریخ ... وقتی می‌گوئیم جغرافیای تاریخی یعنی می‌خواهیم از تمام رشته‌های مختلف جغرافیا در طول دوره‌ای از تاریخ سخن به میان آوریم» (نه‌چیری، ۱۳۷۰: ۸). عده‌ای نیز اولویت را به تاریخ داده‌اند: «تمام جغرافیا، جغرافیای تاریخی است» (Barker, 1996: 1) و برخی جغرافیای تاریخی یک شهر یا ناحیه را: «شرح موقعیت جغرافیایی آن شهر و ناحیه، تاریخ احداث شهر، ذکر آثار و بناهای تاریخی، تراجم احوال شعرا و نویسندگان و علما، ذکر قبائل و تاریخ حوادثی که در آن شهر اتفاق افتاده» می‌دانند که در این صورت آن را باید تاریخ مطلق آن محدوده جغرافیایی دانست نه جغرافیای تاریخی (قائم مقامی، ۱۳۵۱: ۱۶-۱۷). اما عده‌ای جغرافیای تاریخی را نقطه پیوند دو علم تاریخ و جغرافیا می‌دانند: «نخستین جغرافیدانان جهان مؤرخان بودند و پیشکسوت آنها هرودوت بود. هرودوت به عنوان یک مورخ، قلمرو وقایع‌نگاری محلی و ناحیه‌ای را گسترد و برای اینکار به مسافرت‌های دور و درازی دست زد. کار مهم هرودوت این بود که به ثبت و ضبط وقایع و حوادث و جفت‌وجوری اسناد و مدارک اکتفا نکرد، بلکه به مهد و مهبط و عرصه و میدان و بستر جغرافیایی این وقایع شخصاً سفر کرد تا بتواند هر چه بیشتر عوامل مؤثر را در آن وقایع و حوادث بررسی کند (ودیدی، ۱۳۴۸: ۱۹۳). اما برخی قائل به این شیوه از اولویت و برتری یک علم بر علم دیگر نیستند. به عقیده آنان، «ارتباط اصلی و اساسی جغرافیا و تاریخ از جغرافیای ناحیه‌ای شروع می‌شود و جغرافیای تاریخی، زاده این ارتباط است. حوادث سیاسی و پس و پیش‌روی‌های مرزها و جنگ‌ها و سیالیه زمانی تاریخ همیشه بستر مکانی و جغرافیایی خود را می‌جوید» (همان: ۱۹۹). بهر حال، جغرافیای تاریخی دانشی با هویت دوگانه است. جغرافیای تاریخی دانشی ترکیبی و میان‌رشته‌ای است که از مطالعات و دیدگاه‌های دو حوزه جغرافیا (محیط طبیعی) و تاریخ استفاده می‌کند و به



بررسی علل حوادث، تفاوت‌ها، تشابهات، الگوها و نحوه پراکندگی حوادث، تحت یک نظام تاریخی در بستر مکان و در ارتباط با زمان می‌پردازد. هدف آن شناخت همگونی، ناهمگونی تاریخی، همسانی یا تنوع فضایی و مکانی فرهنگ‌هاست (باقری: ۲۳). تحقیق و بررسی جغرافیای تاریخی یک منطقه به عنوان حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای از آنجا اهمیت می‌یابد که به گذشته تاریخی شهر، منشأ جمعیت، نحوه شکل‌گیری، بررسی تداوم سنن قومی و جابجایی گروه‌های اجتماعی و قومی می‌پردازد. «بنابراین جغرافیای تاریخی در یک نظر به دنبال نتایج کارکرد نیروهای طبیعی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دوره‌های گذشته است که با فضاهای امروزی شهر پیوند خورده است» (شکوئی و کاظمی، ۱۳۸۴: ۳۰). تحت تأثیر مکتب آنال در قرن بیستم، انسان به عنوان محور تحول در جغرافیای تاریخی، عامل تأثیر گذار در آفرینش فرهنگ معرفی شد. در این نوع نگاه هرچند اصلت را بر جغرافیا قرار دادند ولی مهم آن بود که داده‌های آن از طریق بررسی‌های تاریخی فراهم می‌شد. بنابراین جغرافیای تاریخی می‌بایست بیشتر جغرافیای منطقه‌ای خاص و زمانی مشخص در گذشته را بکاود (پرگاری و بیطرفان: ۲۱۰ و Sauer, 1941/v 31:4-15 و Wittlessey, 1945/v35: 1-6)

### ابزار پژوهش و آموزش جغرافیای تاریخی

در گذشته وسایل و ابزاری که جغرافی‌دانان تاریخی را یاری می‌داد، متون جغرافیایی قدیم، نقشه‌ها و کتاب‌های جغرافیایی، صورالاقالیم، صورۃ الارض، مسالک و ممالک، سفرنامه و سیاحت‌نامه‌ها، کتب تاریخی، تاریخ‌های محلی، آثار باستانی و بناهای تاریخی و عکس‌های تاریخی، مسافرت‌ها و مشاهدات عینی بود که هنوز هم پس از گذشت سال‌ها به صورت مواد اصلی در آموزش و پژوهش جغرافیای تاریخی مورد استفاده قرار می‌گیرند (باقری: ۲۵). کاربرد رایانه در تجزیه و تحلیل ماده خام جغرافیای تاریخی است. یکی از حوزه‌های نوینی که امروزه زمینه‌ای مشترک برای تحقیقات تاریخی و جغرافیایی پدید آورده است، جی.آی. اس تاریخی<sup>۱</sup> است. این رشته روی جنبه‌ها و داده‌های جغرافیایی تحقیقات و مطالعات تاریخی تأکید می‌کند (حاتمی، ۱۳۸۸: ۱۰۳). جی.آی. اس، که در اصل فرایند تحلیل اطلاعات جغرافیایی در سیستم رایانه‌ای است،

1. Historical Geography information system ( HGIS)

«می‌تواند آگاهی‌های دقیقی را درباره ساختار طبیعی، جنس خاک، ویژگی زمین، اقلیم و شرایط آب‌وهوایی دریافت کند و با تحلیل آنها، نتایج پردازش را در اختیار محققان قرار دهد و همین روند را درباره گذشته دنبال کند» (باستانی‌راد، ۱۳۸۹: ۴۱). همچنین کاربرد کارتوگرافی از زمین و استفاده از تصاویر نقشه‌هایی هوایی، نقشه‌کشی و نقشه برداری تاریخی تأثیر ارزشمندی در کاوش‌های باستانی و تبیین ماده خام جغرافیای تاریخی دارد (باقری: ۲۵). مکان‌پژوهی تاریخی و زیرشاخه‌های آن مانند شهرپژوهی تاریخی و روستاپژوهی تاریخی و همچنین شناخت نام‌ها و اعلام جغرافیایی که در مطالعات تاریخی اهمیت دارد، مبتنی بر شیوه‌های نوین جغرافیایی است (باستانی‌راد: ۴۰).

مسائل تاریخی با محیط جغرافیایی در ارتباط متقابل‌اند و از هم تأثیر می‌پذیرند. جغرافیای تاریخی ناچار است در پژوهش‌های خود، ترکیبی از روش‌های تحقیق تاریخ و جغرافیا را استفاده کند. در جغرافیای تاریخی، جغرافی‌دان مانند سایر شاخه‌ها و زیرشاخه‌های جغرافیایی بر حسب شرایط متفاوت، ناچار است علاوه بر وسایل و ابزار تحقیق گذشته از روش‌های کمی و آماری و کیفی در تحقیقاتش استفاده کند. به همین منظور، روش‌های کمی و کیفی در جغرافیای تاریخی به کار گرفته می‌شوند (باقری: ۲۵).

به طور کلی آموزش و پژوهش جغرافیای تاریخی در ایران گرفتار چند اشکال اساسی است. نداشتن دیدگاهی روشن در باب جغرافیای تاریخی و خلط کردن میان آن و برخی حوزه‌های دیگر مانند تاریخ محلی یا باستان‌شناسی (احمدوند: ۵۶) و کمبود کتب و منابع درسی و آموزشی مرتبط با این حوزه از مشکلات عمده است.

با وجود پیشرفت‌های صورت پذیرفته در چند دهه اخیر، دانش جغرافیای تاریخی ایران از حدّ کلیات و بیان صورت‌های آشکار و مشخص پدیده‌های جغرافیای طبیعی چندان فراتر نرفته و در نتیجه درباره محتوا و ماهیت جغرافیای انسانی جامعه گذشته تحقیقات کامل و کافی در دست نیست (لعل شاطری، ۱۳۹۵: ۱۸۱-۱۸۲). ضمناً مباحث جغرافیای تاریخی فاقد مبانی نظری مستقل و مستدل بوده و به همین سبب در ارائه یک روش پژوهش خاص این رشته ناکام بوده است.

جغرافیای تاریخی کردها و کردستان به عنوان نمونه‌ای از مباحث جغرافیای تاریخی با توجه به شاخصه‌های این علم و از نقطه نظر تاریخی دوره هجوم مغولان مورد بررسی

قرار گرفته است. تلفیق نگاه جغرافیایی و تاریخی، دید تازه‌ای به فراگیران داده و به آنان کمک می‌کند تا درک عمیق‌تر از گذشته بدست بیاورند و حتی این امکان را بیابند تا گذشته را دقیق‌تر فهم و بازسازی نمایند.

### جغرافیای تاریخی کرد و کردستان در دوره مغولان

کردستان به بخشی از حوزه جغرافیای انسانی کردها در جنوب غربی آسیا اطلاق می‌گردد. منظور از آن بخشی از سکونتگاه‌های تاریخی کردها در ایران می‌باشد، در حالی که کردها در طول تاریخ از این واژه تاریخی فراتر رفته و در مناطق گسترده‌تری سکونت یافته‌اند. البته «برای نشان دادن سرزمین کردستان، نقشه مشخصی نمی‌توان پیدا کرد، زیرا این سرزمین در طول تاریخ به علت موقعیت استثنائی آن، که همیشه در سر راه فاتحان و ابرقدرت‌های زمان قرار داشته، بیشتر گرفتار تحدید و توسعه شده و در نتیجه خطوط مرزی سرزمین‌های مسکونی کردها، به طور مداوم متغیر بوده است» (تابانی، ۱۳۸۰: ۱۹-۲۰).

به گفته بدلیسی: «ابتدای ولایت آنان (کردان) از کنار دریای هرمز است که بر ساحل دریای هند واقع شده و از آنجا به خط مستقیم کشیده می‌آید تا به ولایت ملاطیه و مرعش منتهی می‌گردد.» (بدلیسی، ۱۳۷۳: ۲۳-۲۴). نام کردستان را ظاهراً نخستین بار حمدالله مستوفی در بیان منطقه‌ای به کاربرد که سلطان سنجر در اواسط سده ششم هجری (دوازده میلادی) آن را از ایالت جبال منتزع و به نام یک ایالت مستقل به برادرزاده‌اش سلیمان شاه ایوه داد<sup>۱</sup> (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۲۶ و لسترنج، ۱۳۹۰: ۳۷۶ و لمبتن، ۱۳۷۲: ۴۲۶ و فتاح قاضی، ۱۳۶۷: ۶۶ و کریمی، ۱۳۱۶: ۷۱). کردستان در زمان سلیمان شاه بسیار آباد بود و عایدات آن به دو میلیون دینار رسید، این مبلغ، ده برابر میزان درآمد این ناحیه، در دوران مغولان بود. او شهر بهار، در سیزده کیلومتری شمال همدان را مرکز خویش قرار داد<sup>۲</sup> و در آنجا قلعه مستحکمی بنا کرد (لسترنج: ۲۰۸). مرکز ایالت کردستان تا زمان اولجایتو (۷۰۳-۷۱۶ه.ق)، این شهر بود. در

۱. فرخی با ارائه شواهدی اظهار می‌دارد که احتمالاً سلیمان شاه نام فردی در دوره ایلخانان بوده و نام کردستان در این دوره در ارتباط با نام ایران که اطلاقی از قلمرو خاص ایلخانان بوده مطرح شده است (فرخی، ۱۳۹۶: ۴۵-۵۰).

۲. برخی قلعه بهار را با ناحیه کوهستانی ماسبدان تطبیق داده‌اند (رحمتی، ۱۳۹۵: ۷).

سال ۷۱۱ ه.ق با بنای شهر جدیدی به دستور او در پای کوه بیستون به نام «سلطان آباد چمچمال»<sup>۱</sup> مرکز کردستان به آنجا منتقل شد (القاشانی، ۱۳۴۸: ۴۸ و مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۲۸ و خواندمیر، ۳/۱۳۳۳: ۶۷ و اشپولر، ۱۳۸۶: ۴۴۷ و شمیم، ۱۳۷۰: ۳۲). این شهر در زمان او آن چنان عظمتی داشت که به «بغداد کوچک» (القاشانی: ۴۸ و نطنزی، ۱۳۸۳: ۱۱۵) و یا آن گونه که مستوفی می‌گوید «نسخه فردوس اعلی» (مستوفی، ۱۳۳۹: ۶۰۷) شهرت داشت. مسئله ارتباطی که موجب کنترل بیشتر بر ایالت کردستان می‌شد، شاید مهم‌ترین انگیزه این تغییر بود. البته منطقه‌ای که سلطان-آباد چمچمال در آن بنا شد از مراکز اصلی پرورش اسب بود (رشید یاسمی، ۱۳۶۳: ۶۳).

به گفته مستوفی، ایالت کردستان در دوره ایلخانان دارای شانزده ولایت بود و حدود آن به عراق عرب و خوزستان در جنوب و آذربایجان و عراق عجم در شمال و شرق و دیار بکر در غرب محدود شده و دارای هوای معتدل است (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۲۷). آلانی، الیستر، بهار، خفتیان، دربند تاج خاتون، دزییل، دینور، سلطان آباد چمچمال، شهرزور، کرمانشاهان، کوند و خوبوشان، کنگاور، ماهیدشت، هرسین و وسطام شانزده ولایت کردستان بود. (همان: ۱۲۷-۱۲۹ و فخرالکتاب سنندجی، ۱۳۶۶: ۷۵).

منطقه اورامان در غرب استان‌های کردستان و کرمانشاه فعلی که شامل چهاربخش تخت، لهن، شامیان و رزاب است (ادوایی، ۱۳۹۳: ۱۶۹)، در طول تاریخ ایران اسلامی به سبب موقعیت سوق‌الجیشی دارای اهمیت زیادی بود و سلسله‌ای از ملوک محلی با عنوان سلاطین هورامان در آنجا از اواخر قرن چهارم هجری تا دوره پهلوی دوم حکومت داشتند (همان: ۱۶۹).

---

۱. محل امروزی سلطان آباد را برخی با تپه گرگیوند در ۵ کیلومتری شمال شرقی بیستون و کنار رود گاماسیاب (مترجم و محمدی‌فر، ۱۳۸۴: ۱۰۱-۱۰۴) و برخی با تپه هله بگ در غرب دشت بیستون و مجاور بنای مغولی و کاروانسرای ایلخانی (خان‌مرادی، ۱۳۹۶: ۲۸) مطابق دانسته‌اند.



شکل ۱: نقشه جکومت ایلخانان (منبع: wikipedia.org)

از مناطق مهمی که در دوره ایلخانان نقش مهمی داشت، منطقه لرستان است. ترکیب اصلی این منطقه که در این دوره به دو بخش لر بزرگ و لر کوچک تقسیم می شد، کردهایی بودند که از جبل السحاق شام ( بدلیسی: ۴۴ و نطنزی، ۱۳۸۳: ۳۸-۳۹ و مستوفی، ۱۳۳۹: ۵۳۹-۵۴۰ و شبانکاره‌ای: ۱۳۷۶: ۲۰۶) به این سرزمین مهاجرت کرده و به تشکیل حکومت پرداختند. اتابکان لر بزرگ و کوچک و کردان شبانکاره فارس موضوع پژوهش‌های زیادی بوده و در این مقاله به آن پرداخته نمی‌شود.

جدای از سرزمین ایران، کردها در مناطق دیگری نیز سکونت داشتند و در دوره مغولان نقش مهمی در معادلات سیاسی و اقتصادی و نظامی داشتند. از جمله این مناطق «جزیره ابن‌عمر» است که در منابع جغرافیایی جزیره خوانده می‌شد. به گفته مستوفی: «شامل بیست و نه شهرست و گرمسیر و حدودش با ولایات روم و ارمن و شام و کردستان و عراق عرب پیوسته است و شهر موصل دارالملک آنجاست» (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۲۰ و حافظ‌ابرو، ۱۳۷۸/۲: ۲-۴۷). شهرهای موصل، اربیل، ارن، آمد، عمادیه، شهرهای جزیره بود (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۲۰-۱۲۶) که تا سال ۶۴۳ ه. ق شاخه-

ای از ماردین، میافارقین، نصیبین و نینوا از مهمترین ایوبیان به نام ایوبیان جزیره بر آنجا حکومت داشتند (خواندمیر / ۲: ۵۵۱-۵۵۶ و المقریزی، ۱/۱۹۳۶: ۵۹۵ و لین پول، ۱۳۶۳: ۶۴-۶۹). حقوق دیوانی این منطقه در سال‌های اولیه تهاجم مغولان حدود هزار تومان بود اما در نتیجه سیاست‌های ایلخانان تا صدو نود و دو تومان کاهش یافت (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۲۰). اهمیت این منطقه و بخش‌هایی از آناتولی در دوره ایلخانان به جهت حضور جمعیت قابل توجه مسیحیان (ارمنی، گرجی، یعقوبی و نسطوری) بود. این جمعیت در استراتژی نظامی و مذهبی مغولان نقش مهمی داشتند. مثلاً در ماردین که در مرز تاریخی و فرهنگی ایران و روم شرقی بود جمعیت کرد و مسیحی در کنار هم می‌زیستند. این شهر میراث دار فرهنگ و تمدن بیزانس بود (بابائی و خزائی، ۱۳۹۴: ۲۸۱ و ۲۸۶).

منطقه شیروان نیز شاهد مهاجرت جمعی از کردها بود که در نتیجه ضعف ایوبیان از شام به آنجا مهاجرت کرده و در اواخر حکومت ایلخانان حکومتی نیمه مستقل داشتند (بدلیسی: ۲۹۹)، در کوه‌های هکاری که شهر وان مرکز آن بود کردان در دوره ایلخانان حکومت‌های نیمه مستقلی تشکیل دادند (همان: ۹).

در لبنان به گفته ابن‌خلدون کردها حضور داشتند (ابن‌خلدون، ۲/۱۳۶۴: ۵۷۵). در سال ۱۱۳۹م. ایوب‌بن شادی پدر صلاح‌الدین ایوبی به عنوان والی بعلبک تعیین شد و کردها از آن زمان وارد سرزمین لبنان شدند (حرّانی، ۱۳۹۴: ۱۳). ممالیک که پس از ایوبیان بر لبنان دست یافتند برای حفظ مرزهای خود برخی قبائل کرد را به شمال لبنان کوچ دادند و در نزدیکی طرابلس، قلعه و شهری به نام حصن‌الاکراد ساخته بودند که بیبرس سلطان ممالیک برای مقابله با هولاًگو در جنگ عین جالوت یکی از سرداران خود را برای فتح آن اعزام نمود (ابن‌خلدون/۲: ۵۷۵ و بیانی، ۱۳۷۹: ۲۹۸ و حرّانی: ۱۳).

در سوریه و شام علاوه بر ایوبیان که مدت‌ها بر آن سرزمین حکومت داشتند، طوایف دیگری از کردان نیز حضور داشتند و امارت‌های کوچکی تشکیل داده بودند. مثلاً جوزجانی یک پیشگویی از یحیی‌بن‌اعقب بیان می‌کند که در آن از سقوط مغولان به دست کردان آل صعصعه در شام یاد می‌شود (جوزجانی، ۲/۱۳۶۲: ۷۱۲-۷۰۶)، اینان در شکست هولاًگو در عین جالوت نقش مهمی داشتند (مرتضوی، ۱۳۵۸: ۷۴).

قبایل کرد زنگنه و جیگانی با جمعیتی بیش از سیصد هزار نفر به منطقه قراباغ در شمال آذربایجان کوچ کرده و بعدها حکومت محلی کوچکی تشکیل دادند. اینان احتمالاً از ترس ایلخانان ناچار به ترک وطن شده و یا توسط آنان به این نواحی تبعید شدند (شمیم: ۴۶). در مجموع جغرافیای انسانی کردها در دوره ایلخانان شامل یک بخش پیوسته سرزمینی و مناطق اقماری، پراکنده و دور از سرزمین اصلی بود. به واسطه سیاست‌های مغولان در برخی مناطق شاهد بسط سرزمینی هستیم.

علاوه بر مهاجرت‌های اجباری که همواره جغرافیای انسانی کردها را دچار گسیختگی و عدم انسجام می‌نمود، اسکان اجباری، که با نوعی اسارت اقتصادی همراه بود، در دوره ایلخانان مورد توجه قرار گرفت. رشیدالدین فضل‌الله همدانی از ساخت تعداد زیادی روستا در خوزستان و هویزه به دست خویش یاد می‌کند که در آنجا جمع کثیری از کردها، لرها و اعراب را ساکن نموده است (همدانی، ۱۹۴۵: ۱۷۹). این افراد غالباً به عنوان کشاورز وابسته به زمین حق خروج از این روستاها را نداشتند.

نقش ارتباطی کردستان و مناطق کردنشین در دوره مغولان بسیار حائز اهمیت بود. حاکمیت مغولان و ایلخانان ماهیت نظامی داشت و به دلیل مشکلات مداوم آنان در نواحی مرزی که با لشکرکشی‌های همیشگی و اردوکشی سپاهیان توأم بود، توجه به راه‌ها و مناطق در مسیر راه‌ها ضرورت بیشتری داشت. «همه راه‌هایی که از آسیای صغیر می‌گذرند و به منظور تاریخی مبادله کالا با مشرق زمین از غرب به شرق می‌آیند، خواه راه‌هایی که فلات مرتفع ارمنستان را به سمت آذربایجان ایران و ماورای قفقاز طی می‌کنند و خواه جاده‌هایی که از گردنه‌های میان بین النهرین و ایران می‌گذرد همه از وسط کردستان می‌گذرد» (نیکیتین، ۱۳۶۶: ۲۶).

بعد از اسلام، با افزایش اهمیت مناطق جبال و راه‌های ارتباطی آن، کردستان نیز تحت تأثیر قرار گرفت و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، به برخی راه‌های ارتباطی جبال متصل شد. یکی از مهم‌ترین این راه‌ها راه موصل به دمشق بود که از آنجا به سواحل دریای مدیترانه می‌رسید. اهمیت این راه از آن جهت بود که وحدت دینی و سیاسی موجود در نواحی مسیر، ایاب و ذهاب را در آن راه آسان‌تر می‌کرد (اقبال آشتیانی، ۱۳۶۵: ۵۷۰). از دیگر راه‌های مهم مخصوصاً در دوران مغول، راهی بود که بصره را به بغداد متصل می‌کرد و از آنجا از راه اربیل و کوه‌های کردستان، پس از عبور از مراغه به تبریز می‌آمد. راه ارمنستان صغیر نیز از طریق معابر کوهستانی کردستان یا از راه

ارزنه‌الروم و سیواس یا از راه وان و دیاربکر به خلیج اسکندرون می‌رسید که مرکز تجارت بزرگ تجار ایتالیایی و فرانسوی و اسپانیایی بود. دو مرکز ارتباطی مهم، در اطراف کردستان اردلان، شاهراه بزرگ خراسان و راه‌های ارتباطی سلطانیه بودند که این منطقه نیز از ارتباط با آن‌ها بهره‌مند می‌شده است (پرگاری و تفسیری، ۱۳۹۳: ۴۵). راه حلوان دارای اهمیت خاصی بود. از دروازه خراسان، واقع در شرق بغداد شاهراه خراسان شروع می‌شد و از ایران عبور می‌کرد، سپس از طریق ماوراءالنهر تا مرزهای چین امتداد می‌یافت (ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۱۶۳). این شاهراه عامل ارتباطی بغداد با مشرق بود؛ بنابراین، عبور آن از مناطق کردنشین از بسیاری جهات، به نفع این مناطق بود. یکی دیگر از راه‌هایی که به خصوص در حمله هولانگو به بغداد مهم بود راه بغداد به اصفهان بود (همدانی، ۲/۱۳۳۸: ۶۹۷-۷۰۱) راه سلطانیه به نجف نیز در بخش عمده‌اش با این راه تلاقی داشت و حدود ۱۴۴ فرسنگ طول داشت و شهرهای اسدآباد، کنگاور، چمچمال، کرد و حلوان بر سر آن راه بودند (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۶۵). راه تبریز به جزیره و شام از شهرهای آلتاغ، اخلاط و دیار بکر گذشته و از کناره رود فرات تا سرزمین شام ادامه می‌یافت (همان: ۱۲۰-۱۲۴). این راه برای ایلخانان اهمیت زیادی داشت؛ زیرا غالب لشکرکشی‌های آنان علیه ممالیک از این مسیر بود (همدانی، ۲/۱۳۳۸: ۷۱۸-۷۲۰).

از میزان جمعیت کردها در دوره مغولان نمی‌توان آماری حتی تقریبی ارائه داد. اما از تعداد شهرها به ویژه شهرهای مهم در جزیره و آسیای صغیر و ایالت کردستان مانند موصل، اربیل، ماردین، میافارقین، سلطان‌آباد چمچمال و کرمانشاه می‌توان به جمعیت قابل توجه منطقه پی برد. مهم‌ترین ویژگی جمعیتی کردها در دوره مغولان، تحرک اجتماعی فراوان در گستره جغرافیای سیاسی و انسانی خاور نزدیک است. یک نمونه بارز آن، حرکت تاریخی طوایف کرد از جبل‌السماق شام به سوی ایران می‌باشد.

حملات مغولان موجب فرار جماعات بزرگی از کردها از سرزمین مادری‌شان به مناطق شام، مصر و شمال آفریقا شد. به گفته بدلیسی، سیدحسین اخلاطی از مشایخ بزرگ اخلاط «به واسطه انقلاب دوران و فترات لشکر قیامت اثر چنگیزخان» از روی علم جفر دانست که اوضاع وخیم خواهد شد با «دوازده هزار خانوار از مریدان و معتقدان از اقوام و محبان ترک اوطان کرده به جانب مصر رفت» (بدلیسی: ۴۶۰). اقوام و یاران او در قاهره محله‌ای ساختند که به کوی اخلاطیان معروف شد (مردوخ روحانی،



۱/۱۳۸۲: ۶۵) در دوره هولاگو بنا به ملاحظات اقتصادی و سیاسی، تلاش‌هایی صورت گرفت تا برخی از فراریان را به موطن اصلی شان بازگردانند. از جمله به فخرالدین لقمان مراغه‌ای که از نزدیکان خواجه نصیرالدین توسی بود، دستور داده شد تا « جمعی از مردم که از بیم هجوم مغول به عراق عرب گریخته بودند» را بازگرداند. او حدود پانصد خانوار را که مدت ۴۰ سال از خانه خود دور شده و در نواحی اربیل، موصل و جزیره ساکن شده بودند، بازگرداند (ابن الفوطی، ۱۹۶۲م/۴: ۲۰۸ و ۳۰۲ و مدرس رضوی، ۱۳۵۴: ۳۰۷). از دو نقل گفته شده می‌توان چنین استنباط نمود که مناطق کردنشین، هم مهاجرت‌فرست بودند و بخشی از جمعیت گریزان از دست مغولان از این منطقه به نواحی دور از دست مغولان گریخته و از سوی دیگر مهاجرپذیر هم بوده و برخی از گریختگان نواحی شرقی ایران در این منطقه پناه گرفته بودند.

### امرای کرد در دوره مغولان و ایلخانان

در دوران مغولان و ایلخانان حکومت‌ها و امارات مستقل و نیمه مستقل زیادی در نواحی کردنشین وجود داشت که روابط پر فراز و نشیبی با ایلخانان، خلافت عباسی و دیگر رقبای ایلخانان یعنی ایوبیان و ممالیک داشتند. اگرچه برخی از محققان این امارت‌ها را پوشالی دانسته‌اند (بیانی: ۳۱۴)، اما شواهد تاریخی نشان می‌دهد که بسیاری از آنها موقعیت و قدرت قابل اعتنائی داشتند به گونه‌ای که ایلخانان و رقبای آنها به سادگی از آن نمی‌گذشتند. جدای از اتابکان لر بزرگ و کوچک که به آنها اشاره شد می‌توان به این امارات اشاره نمود:

ایوبیان، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین حکومت کردتبار در تاریخ است. حکومت آنان در ۵۶۴ ه.ق به وسیله صلاح‌الدین یوسف‌بن ایوب در مصر تأسیس شد. بعد از او خاندان ایوبی به شعب مختلف تقسیم شد که از آن میان ۴ شاخه این خاندان در نواحی کردنشین حکومت داشتند: ایوبیان دمشق که حکومت آنان با حمله هولاگو به دمشق در سال ۶۵۸ ه.ق به پایان رسید. ایوبیان جزیره، در ۶۴۳ ه.ق به دست امرای مغول از میان رفتند. ایوبیان حمص، در ۶۶۱ ه.ق به دست ممالیک از میان رفتند. ایوبیان حماه،

تا سال ۷۴۲ قدرت داشتند. ابوالفداء مؤرخ معروف از این خاندان بود (لین پول، ۱۳۶۳: ۶۴-۶۹ و مقریزی: ۱/ ۱۰۴-۱۰۹ و مونس: ۳۰۹).

خاندان ترک نژاد بنی ارتق که سه شعبه بودند: شعبه اول در حصن کیفا و آمد، تا ۶۲۹ ه.ق حکومت داشتند. به گفته بدلیسی پس از سقوط این خاندان و از سال ۶۶۳ ه.ق فردی از خاندان ایوبی فرمان حکومت حصن کیفا را از حاکم ماردین گرفت و پس از مدتی مستقلانه به حکومت پرداخت. حکام این خاندان با لقب ملکان در دوره ایلخانان در حصن کیفا حکومت داشتند (بدلیسی: ۱۹۷-۱۹۹). شعبه دوم خاندان ارتقی در خرتیرت تا سال ۶۶۰ ه.ق حکومت کردند (ابن العبری، ۱۳۷۷: ۴۴۳). شعبه سوم در ماردین تا سال ۸۰۹ ه.ق امارت داشتند (همان: ۴۴۳-۴۴۴).

حکام هکاری، مرکز حکومت آنها شهر وان بود. حکام هکاری لقب شنبو داشتند. دوران حکومت آنان تا زمان تیمور ادامه داشت (بدلیسی: ۱۲۶-۱۴۵).

حکام شیروان که در اصل وزرای ایوبیان شام بودند، در حدود سال ۶۶۲ ه.ق از شام به شیروان کوچ کردند. با زوال حکومت ایوبیان و استقرار ممالیک در قلمروی ایوبیان، سه برادر به نام‌های عزالدین، بدرالدین و عمادالدین به شیروان آمده و حکومتی بنا نهادند که شهر کفرا مرکز آن بود. این حکام در دوره تیمور به دو شعبه کرنی و ایروان تقسیم شدند. به گفته بدلیسی اینان جملگی کرد بودند (همان: ۲۲۹-۳۰۹).

حکام عمادیه که خود را به خلفای عباسی منسوب می‌کردند و لقب بهادینان داشتند، اصل آنها از قلعه طارون بود و از آنجا به عمادیه کوچ کردند. چون نخستین فرد این خاندان که در عمادیه به حکومت رسید، بهاءالدین نام داشت، لقب بهادینان داشتند. آغاز حکومت آنان از دوره سلجوقی بود و تا اواخر صفویان بر آن منطقه حکومت داشتند (همان: ۱۴۵-۱۴۷).

حکام آل زنگی که کرد نبودند اما بر مناطق کردنشین حکومت داشتند. بر اساس جدول ابن العبری این خاندان چهار شعبه بودند و از شام تا جزیره را در ید قدرت خویش داشتند: اتابکان موصل، از ۵۲۱ ه.ق تا ۶۵۹ ه.ق حکومت داشتند. بدرالدین لؤلؤ، معروفترین امیرشان بود (ابن العبری، ۱۳۷۷: ۴۳۸ و لین پول، ۱۳۶۳: ۱۴۵). شعبه‌ای از این خاندان با نام امرای بگتگینی در اربیل از ۵۳۹ تا ۶۳۰ ه.ق حکومت داشتند. مظفرالدین کوکبوری مهم‌ترین امیر این خاندان تا سال ۶۳۰ ه.ق بر اربیل و شهرزور حکومت داشت و چون فرزندی نداشت پس از مرگ، قلمروی او به تصرف خلیفه عباسی

در آمد (لین پول: ۱۴۷). اتابکان شام، از سال ۵۴۱ ه.ق تا ۵۷۷ ه.ق حکومت داشتند و به دست ایوبیان از میان رفتند. اتابکان سنجار، از سال ۵۶۶ ه.ق تا ۶۱۶ ه.ق بر نواحی سنجار حکومت داشتند. اتابکان جزیره، از سال ۵۷۶ تا ۶۴۸ ه.ق حکومت کردند (ابن-العبری: ۴۳۸ و خواندمیر ۲/ ۵۵۱-۵۵۶ و ۵۸۴-۵۹۸). بعد از آنان خاندانی کردتبار به نام عزیزان که خود را به خالدبن ولید منسوب می‌کردند، قدرت یافته و تا زمان اوزون حسن آق‌قویونلو بر جزیرهٔ ابن‌عمر حکومت داشتند (زکی، ۱۳۷۸: ۱۱۷).

حکام اکیل لقب بیلدوقانی داشتند، بدلیسی آنان را از نسل سلاجقه می‌داند. حکام اکیل تا زمان اوزون حسن آق‌قویونلو بر نواحی میافارقین حکومت داشتند (بدلیسی: ۲۳۳-۲۳۵).

شاهزادگان بدلیس که خود را از نسل ساسانیان می‌دانستند. امیرشرفخان بدلیسی، مؤرخ معروف و صاحب شرفنامه از این خاندان است. او مدعی است شاهزادگان بدلیس از نسل انوشیروان و یا جاماسب‌بن فیروز برادر انوشیروان ساسانی هستند (بدلیسی: ۴۷۴). برخی در این نسب تردید دارند (نیکیتین: ۳۴۷). عشیرهٔ اصلی شاهزادگان بدلیس روزه‌گی نام داشت که از ۲۴ طایفه تشکیل شده بود (همان: ۳۴۷). این خاندان تا زمان صفویه حکومتی نیمه‌مستقل داشتند و با حکومت‌های ایلخانان، ممالیک و ایوبیان مناسبات زیادی داشتند و بنا به موقعیت با این قدرت‌ها همراهی، معاندت کرده و گاه تابعیت یکی از آنان را می‌پذیرفتند (بدلیسی: ۴۷۴-۴۹۸).

حکام اردلان مهم‌ترین امارت کردستان ایران بود. شروع حکومت اردلان‌ها و نسب آنان بسیار مبهم است. برخی نسب آنان را به اردشیر بابکان رسانده که در شام می‌زیستند (مستوره اردلان، ۱۹۴۶: ۶ و فخرالکتاب سنندجی، ۱۳۶۶: ۹۰). برخی محققان اصل این خاندان را به صلاح‌الدین ایوبی منسوب نموده که در منطقه حصن کیفا ساکن و از جمله طوایف عشیرت‌های هکاری بودند (نیکیتین: ۳۶۱). برخی دیگر آنان را از نسل امویان و اعقاب احمدبن مروان<sup>۱</sup> می‌دانند که در دیار بکر ساکن بودند (بدلیسی: ۱۱۷ و قاضی، ۱۳۷۹: ۱۳). علاوه بر نسب، آغاز امارت این خاندان نیز نامشخص و مطالب منابع بسیار مغشوش است. به گفته بدلیسی: «بابار دل جد این خاندان در اواخر دولت سلاطین چنگیز بر ولایت شهره زول که در آخر به شهرزور اشتهار یافت، مستولی

۱. به گفته ملامحمدشرف قاضی، محمدبن مروان (قاضی: ۱۳).

گشت» (بدلیسی: ۱۱۸). مردوخ، شروع امارت اردلان‌ها را سال‌های پایانی حکومت سلاجقه و حدود سال ۵۶۴ ه.ق می‌داند. قبادساسان حاکم اردلان در سال ۶۵۶ ه.ق که یشموت پسر هولگو از کرمانشاه عازم عراق بود به خدمت او رسید و چون شخصی معمر و مدیر بود، یشموت به او لقب بابا و سپس باباردل داد و حکومت شهرزور را به او داد<sup>۱</sup> (مردوخ، ۱۳۵۱/۲: ۹۰).

سلسله سلاطین اورامان (هورامان) که با حکومت بهمن‌بن بهلو (بابلو) در سال ۳۹۳ ه.ق آغاز شد، از دیگر حکومت‌های محلی کرد بود که در دوره مغولان نیز امارت داشتند. بهمن‌بن بهلو در ۴۴۵ ه.ق قلعه اورامان را احداث کرد (هورامی، ۱۳۸۶: ۳۸۳-۳۸۵). در مورد تاریخ این خاندان به ویژه دوره مغولان اطلاعات مغشوشی وجود دارد و تواریخ و سوانح آنان فاقد دقت تاریخی است. به گفته هورامی مقارن دوران مغول، امیرسعید ملقب به امیرجیاشا، سلطان اورامان بود، وی ۱۰۲ سال عمر کرد و متصرفات خود را میان فرزنداناش تقسیم کرد (همان: ۱۲۱).

## نتیجه

جغرافیای تاریخی پژوهشی میان رشته‌ای تاریخ و جغرافیا است. مسائل تاریخی با محیط جغرافیایی در ارتباط متقابل‌اند و از هم تأثیر می‌پذیرند. استفاده از پژوهش جغرافیای تاریخی در تدریس تاریخ موجب درک عینی‌تر فراگیران از مباحث تاریخی می‌شود. اگرچه گستردگی موضوعات جغرافیای تاریخی و خلط و درهم تنیدگی آن با علمی همچون باستان‌شناسی و از همه مهم‌تر نقص کلی مدرسان این علم میان رشته‌ای که غالباً به جای تخصص در آن به یکی از دو علم تاریخ یا جغرافیا احاطه موضوعی دارند، تدریس جغرافیای تاریخی را دشوار می‌نماید. بنابراین بازنگری در شیوه تدریس این علم و بکارگیری روش‌ها و ابزارهای خاص پژوهش در جغرافیای تاریخی توصیه می‌شود. بنابراین در پاسخ به سؤال نخست این پژوهش می‌توان گفت جغرافیای تاریخی در آموزش تاریخ کاربرد زیادی دارد و تلفیق نگاه جغرافیایی و تاریخی، دید

۱. مردوخ، خود در بیان تاریخ مرگ باباردل و حکومت پسرش کلول بیگ دچار تناقض می‌شود؛ در حالی که تاریخ مرگ باباردل را ۶۷۵ ه.ق آغاز حکومت کلول بیگ را ۶۰۶ ه.ق می‌داند، همچنین در جایی دیگر دوران امارت باباردل را سال ۵۹۸ تا ۶۷۵ نوشته که غیرواقعی به نظر می‌رسد.

تازه‌ای به فراگیران داده و به آنان کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از گذشته بدست بیاورند و حتی این امکان را بیابند تا گذشته را دقیق‌تر فهم و بازسازی نمایند.

جغرافیای تاریخی کردستان به عنوان نمونه مباحث جغرافیایی در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت و نتیجه‌ای که از این پژوهش حاصل آمد این است که حملات مغولان به کردستان و نواحی کردنشین موجب تغییرات گسترده در جغرافیای تاریخی و انسانی سرزمین کردها شد. اهمیت ارتباطی کردستان و ویژگی طبیعی مناسب این سرزمین، برای توسعه‌طلبی مغولان بسیار مهم بود. مغولان از طریق راه‌های ارتباطی کردستان به بغداد حمله کردند و از طریق نواحی کردنشین به جنگ ممالیک رفتند. به دلیل سیاست‌های مغولان و در نتیجه مهاجرت‌های اجباری، جغرافیای انسانی کردها دگرگون شد. از سوی دیگر در مناطق کردنشین، امیرنشین‌ها و حکومت‌های کوچک و بزرگی وجود داشت که مغولان نسبت به آنها سیاست‌های متفاوتی داشتند. در پاسخ به دیگر سؤال این پژوهش می‌توان گفت؛ سیاست‌های سیاسی و نظامی مغولان و ایلخانان در دگرگونی جغرافیای انسانی کردها تأثیرگذار بود و کردها در نتیجه اقدامات نظامی مغولان به نواحی خارج از محدوده تاریخی خود مانند شیروان، قره‌باغ و شمال آفریقا مهاجرت کردند. همچنین امراء و حکومت‌های کرد در دوره مغولان به سبب تضعیف زیربنای انسانی و اقتصادی و سیاست تفرقه‌افکنانه مغولان به انقیاد آنان در آمدند.

## منابع

- ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۶۴). *العبر: تاریخ ابن‌خلدون* (۲ج). ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن‌رسته، ابوعلی احمد بن عمر (۱۳۶۵). *اعلاق النفیسه*. ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: امیرکبیر.
- ابن‌العبری، گریگوریوس ابوالفرج بن اهرن (۱۳۷۷). *مختصر تاریخ الدول*. ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.
- احمدوند، عباس (۱۳۸۸). *تأملی در آموزش و پژوهش جغرافیای تاریخی در ایران*. تاریخ اسلام، سال دهم، ش ۴، پیاپی ۴۰، زمستان.

- اشیولر، برتولد (۱۳۸۶). *تاریخ مغول در ایران*. ترجمه محمود میرآفتاب، تهران: علمی و فرهنگی.
- اشتری تفرشی، علیرضا (۱۳۹۲). *جغرافیای تاریخی و جایگاه اقتصادی دینور*. مطالعات تاریخ اسلام، سال ۵، ش ۱۷، تابستان.
- ابن الفوطی، کمال الدین ابوالفضل عبدالرزاق بن تاج‌الدین احمد البغدادی (۱۹۶۲م). *تلخیص مجمع الآداب فی معجم الالقب (قسم الاول)*. تصحیح مصطفی جواد، دمشق: دارالکتب الظاهریه.
- ادوای، مظهر (۱۳۹۳). *بازخوانی رقم‌های حکومتی سلاطین هورامان در دوره صفویه - باتأکید بر نقد کتاب تاریخ خاندان کرد اردلان*. پیام بهارستان، دوره ۲، س ۶، ش ۲۳، بهار و تابستان.
- القاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد (۱۳۴۸). *تاریخ اولجایتو (تاریخ پادشاه سعید غیاث الدین و الدنيا اولجایتو سلطان محمد طیب الله مرقدہ)*. به کوشش مهین همبلی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۶۵). *تاریخ مغول*. تهران: امیرکبیر.
- المقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی (۱۹۳۶). *السلوک المعرفه دول الملوک (ج ۱)*. تصحیح محمد مصطفی زیاده، قاهره: بی‌نا
- بابائی، پروین و خزائی، محمد (۱۳۹۴). *بررسی نقوش سکه‌های ارتقیان ماردین*. نقد کتاب هنر، س ۲، ش ۷، پائیز.
- بارتولد، واسیلی. و. (۱۳۰۸). *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*. ترجمه حمزه دادور (طالب-زاده)، تهران: چاپخانه اتحادیه.
- باستانی‌راد، حسن (۱۳۸۹). *آموزش و پژوهش میان رشته‌ای در جغرافیای تاریخی*. پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ، سال اول، ش ۴، تابستان.
- باقری، اشرف‌السادات (۱۳۹۷). *در جستجوی معنی و مفهوم جغرافیای تاریخی*. رشد آموزش جغرافیا، ش ۱۲۲، زمستان.
- بدلیسی، امیرشرف‌خان (۱۳۷۳). *شرفنامه (تاریخ مّصل کردستان)*. به کوشش محمد عباسی، تهران: نشر حدیث.
- بیانی، شیرین (۱۳۷۹). *مغولان و حکومت ایلیخانی در ایران*. تهران: سمت.
- بیگ‌محمدی، حسن (۱۳۷۸). *مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی ایران*. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۶۵). تعریف مفهوم و دیدگاه تازه از جغرافیا. تحقیقات جغرافیایی، ش ۲، تابستان.
- پرگاری، صالح؛ بیطرفان، محمد (۱۳۹۴). قم در دوره ناصری: یک بررسی جغرافیای تاریخی. پژوهشنامه تاریخ‌های محلی، س ۳، ش ۲، پیاپی ۶، بهار و تابستان.
- پرگاری، صالح؛ و تفسیری، برهان (۱۳۹۳). تکوین راه‌های ارتباطی کردستان اردلان از دوره سلجوقی تا پهلوی با تکیه بر قدرت‌گیری خاندان اردلان. پژوهش‌های تاریخی (دانشگاه اصفهان)، س ۵۰، دوره جدید سال ۶، ش ۱ (پیاپی ۲۱)، بهار.
- تابانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). وحدت قومی کرد و ماد - منشأ و نژاد. تهران: گستره.
- جوزجانی، قاضی منہاج سراج (۱۳۶۲). طبقات ناصری (تاریخ ایران و اسلام، ج ۲). به کوشش عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- حاتمی، حسین (۱۳۸۸). مکان‌نمای تاریخ. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۳۹، آذرماه.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی (۱۳۷۸). جغرافیا (ج ۲). به کوشش صادق سجادی، تهران: میراث مکتوب.
- حرآنی، گیتا. جی (۱۳۹۴). کردهای لبنان. ترجمه مهرداد رحیمیان، سنندج: کانی کتیب.
- حکیم، محمدتقی (۱۳۶۶). گنج دانش - جغرافیای تاریخی شهرهای ایران. به کوشش محمدعلی صوتی و جمشید کیانفر، تهران: زرین.
- خان‌مرادی، مژگان (۱۳۹۶). نقش و جایگاه اولجایتو در فعالیت‌های شهرسازی دوره ایلخانی. مطالعات ایرانی (دانشگاه شهید باهنر کرمان)، سال ۱۶، ش ۳۲، پائیز و زمستان.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین الحسینی (۱۳۳۳). تاریخ حبیب السیر (ج ۳). تهران: کتابخانه خیام.
- رحمتی، محسن (۱۳۹۵). جغرافیای تاریخی ماسبندان در دوره سلجوقی. فرهنگ ایلام، دوره ۱۷، ش ۵۲ و ۵۳، پائیز و زمستان.
- رشید یاسمی، غلامرضا (۱۳۶۳). کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او. تهران: امیرکبیر.
- زکی، محمدامین (۱۳۷۸). تحقیقی تاریخی درباره کرد و کردستان. ترجمه حبیب‌الله تابانی، تبریز: آیدین.
- شکوئی، حسین (۱۳۶۴). جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ----- (۱۳۵۳). فلسفه جغرافیا. تبریز: دانشگاه آذربادگان.
- شکوئی، حسین و کاظمی، موسی (۱۳۸۴). مبانی جغرافیای شهری. تهران: دانشگاه پیام نور.

- شمیم، علی اصغر (۱۳۷۰). کردستان. بی جا: مدبر.
- فخرالکتاب سنندجی، میرزا شکرالله (۱۳۶۶). تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان. به کوشش حشمت‌الله طیبی، تهران: امیرکبیر.
- فرخی، یزدان (۱۳۹۶). پدیداری نام کردستان در عهد ایلیخانان و پیوستگی آن با جغرافیای تاریخی ایران زمین. مطالعات ملی، سال ۱۸، ش ۱، پیاپی ۶۹، بهار.
- قاضی، ملامحمد شریف (۱۳۷۹). زبده التواریخ سنندجی در تاریخ کردستان. به کوشش محمد رئوف توکلی، تهران: توکلی.
- قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۱). بحثی درباره جغرافیای تاریخی. بررسی‌های تاریخی، س ۷، ش ۳، پیاپی ۴۰.
- کریمی، بهمن (۱۳۱۶). جغرافی مفصل تاریخی غرب ایران. تهران: چاپخانه فرهنگ.
- فتاح قاضی، اسماعیل (۱۳۶۷). کرد در دائره المعارف اسلام. ارومیه: صلاح‌الدین ایوبی.
- لسترنج، گای (۱۳۹۰). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.
- لعل شاطری، مصطفی (۱۳۹۵). دانش جغرافیای تاریخی عاملی کاربردی در راستای الگوی پایه پیشرفت. مجموعه آثار و مقالات برگزیده دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت.
- لمبتن، آن.کی.س (۱۳۷۲). تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران. ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر نی.
- لین پول، استانلی (۱۳۶۳). طبقات سلاطین اسلام. ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: دنیای کتاب.
- مترجم، عباس؛ محمدی فر، یعقوب (۱۳۸۴). پیشنهادی برای تعیین محل شهر ایلیخانی سلطان آباد چمچمال (بغداد کوچک) در بیستون کرمانشاه. پیام باستان شناس، ش ۳.
- مدرس رضوی، محمدتقی (۱۳۵۴). احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مرتضوی، منوچهر (۱۳۵۸). مسائل عصر ایلیخانان. تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- مردوخ کردستانی، شیخ محمد (۱۳۵۱). تاریخ مردوخ (کرد و کردستان). سنندج: غریقی.
- مردوخ روحانی، شیخ اسماعیل (۱۳۸۲). تاریخ مشاهیر کرد (ج ۱). به کوشش محمد ماجد مردوخ روحانی، تهران: سروش.
- مستوره اردلان، ماه شرف (۱۹۴۶م). تاریخ اردلان. به کوشش ناصر آزادپور، سلیمانیه: بی-نا.



- مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابی بکر (۱۳۳۹). *تاریخ گزیده*. به کوشش عبدالحسین نوائی، تهران: امیرکبیر.
- ----- (۱۳۳۶). *نزه القلوب*. به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: طهوری.
- مفتخری، حسین (۱۳۷۹). *مهاجرت قبائل عرب به ایران در قرون نخستین اسلامی و پی آمد آن از منظر جغرافیای تاریخی*. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۳۱، اردیبهشت.
- مونس، حسین (۱۹۸۷م). *اطلس تاریخ الاسلام*. قاهره: الزهراء الاعلام العربی.
- نیکیتین، بازیل (۱۳۶۶). *کرد و کردستان*. ترجمه محمد قاضی، تهران: نیلوفر.
- نطنزی، معین الدین (۱۳۸۳). *منتخب التواریخ معینی*. به کوشش پروین استخری، تهران: اساطیر.
- نهچیری، عبدالحسین (۱۳۷۰). *جغرافیای تاریخی شهرها*. تهران: انتشارات مدرسه.
- ودیعی، کاظم (۱۳۴۸). *رابطه جغرافیا با تاریخ*. بررسی های تاریخی، سال ۴، ش ۱، فروردین و اردیبهشت.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله (۱۳۳۸). *جامع التواریخ (ج۲)*. به کوشش بهمن کریمی، تهران: اقبال.
- ----- (۱۹۴۵م)، *مکاتبات رشیدی*. به کوشش محمد شفیع، لاهور: ایجوکینشل پرس.
- هورامی (شیدا)، ملاعبدالله (۱۳۸۶). *تاریخ هورامان*. تدوین و گردآوری مظفر بهمن سلطانی هورامی و تصحیح و مقدمه نادر کریمیان سردشتی، تهران: احسان.
- Easi, W,G, (1965). *The Geography behind History*. Thomas Nelson LTD, London.
- Barke, Alen, R.H (1996). *On the History and Geography of Historical Geography*. University of Cambridge UK.
- Butlin, Robin (1993), *Historical Geography: Through The Gates of Space and Time*, London.
- Wittlesey, Dewent (1945). *The Horizon of Geography*. Annals of the Association of American Geographers, V 35, Issue 1.

